

The Evolution of Inscriptions Written by Nastaliq from the Timurid Period to the Qajar Period

Alireza Hasheminejad¹

Received: 2023-10-09, Accepted: 2023-11-19

Doi: 10.22034/rac.2024.715972

Abstract

One of the significant elements of architectural decoration after Islam is the inscription. After the emergence of various types of scripts in Islamic calligraphy, many ways of writing and applying inscriptions emerged. There are numerous definitions for the term inscription. However, the most tangible definition is any written piece on any surface or object other than paper. The term specifically refers to written words on selected areas of a building. Therefore, it is better to distinguish between writings on pottery, metallic ornaments, carpets, etc., and architectural inscriptions. It is also important to note that if the former and more general definitions of inscriptions are used, the dating and history of inscriptions should be reconsidered. The focus of this article is inscriptions in architecture, specifically inscriptions written in Nastaliq, and the principal question of the article is how the inscriptions written in Nastaliq in Iranian architecture evolve in form, content, material, and its combinational structure, from the beginning of its emergence until the Qajar period. This investigation is limited to examples where the inscriptions were created purposefully and based on the principles of calligraphy and fused organically into the architecture of the building.

Among the scripts that became widely used in inscriptions is the Nastaliq script. The oldest Nastaliq inscription was written in the 9th century AH (840 AH) on the Shah Nimatullah Wali Shrine. After that, at the end of the 9th century and especially in the first half of the 10th century, inscriptions in Nastaliq became popular in Qazvin and Isfahan. However, the Nastaliq inscription in this period was of secondary value and was mostly used for inscribing Persian poetry or foundation plaques. The most significant period in the history of Nastaliq inscriptions is the period of Fath-Ali Shah Qajar. The major developments in the inscriptions of this period can be analyzed in three categories: inscription composition, location, and material. In this period, the Nastaliq script was the most important script for inscriptions. Unlike the previous periods, the foremost inscriptions were written using the Nastaliq script in the Qajar period. In this period, the materials and methods of inscriptions have also transformed, and inscriptions using enameling on gold tiles, painting on the back of glass, and paper cutting indicate the use of new materials and methods in the inscriptions of the Qajar period. This research is a fundamental descriptive and analytical study of the evolution of Nastaliq inscriptions from the 9th century to the end of the Qajar period.

Keywords: Inscriptions, Nastaliq, Inscription in architecture

1. Researcher at Research Institute of Islamic and Iranian Culture, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran. Email: hasheminejad.a.r@gmail.com

سیر تحولات کتیبه‌نویسی به قلم نستعلیق (با تمرکز بر کتیبه نویسی در معماری) از دوره تیموری تا دوره قاجار

علیرضا هاشمی نژاد^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

Doi: 10.22034/rac.2024.715972

چکیده

از عناصر مهم تزئینات معماری پس از اسلام کتیبه‌نویسی است. پس از پدید آمدن انواع قلم در خوشنویسی اسلامی، شیوه‌های متنوع کتیبه‌نویسی و اجرای کتیبه نیز پدید آمد. از کتیبه تعریف‌های گوناگون ارائه شده است اما ملموس‌ترین تعریف آن نوشته‌ای است بر هر سطحی یا شیئی غیر از کاغذ، و تعریف اصطلاحی کتیبه که ساحت ویژه نیز به آن می‌بخشد نوشتن بر بخش‌هایی ویژه از بنا است، بنابراین بهتر است بین نوشته بر اشیاء سفالی، فلزی، قالی و... با کاربرد کتیبه در معماری تفاوت قائل شد. نکته قابل توجه دیگر این است که اگر انواع این نوع نوشته را بر اشیاء و بوم‌های غیر از کاغذ کتیبه بنامیم در تاریخ‌گذاری قدمت کتیبه در اقلام گوناگون باید تجدید نظر کرد.

در این نوشتار محور بحث کتیبه در معماری به‌ویژه کتیبه‌نویسی به قلم نستعلیق است و پرسش اساسی مقاله از چگونگی سیر تحولات کتیبه‌نویسی به قلم نستعلیق در معماری ایران، از ابتدای پیدایش تا دوره قاجار، در فرم، محتوی، مصالح و ساختار ترکیبی است. البته کتیبه‌هایی که با هدف و مبتنی بر اصول خوشنویسی و در پیوندی ارگانیک در تزئینات بنا به وجود آمده باشد. از جمله خطوطی که در کتیبه‌نویسی کاربرد فراوان پیدا کرد خط یا قلم نستعلیق است. قدیمی‌ترین کتیبه نستعلیق در قرن نهم ق (۸۴۰ ق) در آستانه شاه نعمت‌الله ولی نوشته شد. و پس از آن در اواخر قرن نهم و به‌ویژه در نیمه اول قرن دهم در قزوین و اصفهان رواج یافت. اما کتیبه نستعلیق در این دوره به عنوان کتیبه‌های فرعی و بیشتر با مضمون اشعار فارسی یا لوحه‌های احداثیه کاربرد دارد. مهم‌ترین دوره در کتیبه‌نویسی به قلم نستعلیق دوره فتحعلیشاه قاجار است. تحولات عمده در کتیبه‌نویسی این دوره در سه مقوله ترکیب در کتیبه، مکان کتیبه و مصالح کتیبه قابل بررسی است. قلم نستعلیق در این دوره مهم‌ترین قلم برای کتیبه‌نویسی است و برخلاف دوره‌های پیشین در دوره قاجار کتیبه‌های اصلی بنا به قلم نستعلیق نوشته می‌شود. در این دوره مصالح و روش‌های کتیبه‌نویسی نیز دستخوش تحول شده و کتیبه‌هایی به روش میناکاری روی خشت طلا، نقاشی پشت شیشه و قطعی نشانگر استفاده از مصالح و روش‌های نو در کتیبه‌نویسی دوره قاجار است. این پژوهش با هدف بررسی بنیادین سیر تحولات کتیبه‌نویسی به قلم نستعلیق از قرن نهم تا پایان دوره قاجار و به روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌پذیرد.

کلیدواژه‌ها: کتیبه‌نویسی، نستعلیق، کتیبه در معماری

۱. خوشنویس، پژوهشگر، پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

مقدمه

معماری فرض کنیم این‌گونه کتیبه‌ها را نیز باید در نسبتی کلی با بنا ارزش‌گذاری و تحلیل کرد.

کتیبه در معماری نیز از حیث ارزش دو گونه کاملاً متمایز است. گونه‌ای که ارزش تاریخی و متنی دارد و گونه‌ای که به تعبیر مدرن‌تر ارزش بصری دارد. البته تفکیک این دو نوع نافی این حقیقت نیست که برخی کتیبه‌ها واجد هر دو ارزش‌اند. سابقه کتیبه‌نویسی از هر دو نوع به پیش از اسلام و به دوره هخامنشی بازمی‌گردد. کتیبه در معماری ایرانی همچنین کارکردهای متفاوت دارد. به‌ویژه در معماری اسلامی که علاوه بر اطلاع‌رسانی و تزئین، تقدس بخشی و ارتقاء هویت زیبایی‌شناختی بنا از کارکردهای کتیبه‌نویسی است. هویت از منظر تن‌شناسی کتیبه نیز موضوع دیگری است که بسیار حائز اهمیت است. علاوه بر اشارات آشکار در متن کتیبه‌ها در انتساب بنا به دوره، یا شخص، از برخی اشارات ضمنی می‌توان به هویت پنهان برخی بناها نیز پی برد. اگر بر بنایی آیه ۳۳ سوره احزاب^۱ نوشته باشد به احتمال قریب به یقین بنا منسوب به شیعیان است، زیرا این آیه اشاره به اهل بیت پیامبر دارد (بهر، ۱۳۹۴: ۲۳). یا ورود زبان فارسی به کتیبه‌نویسی که نشان از هویت ملی فارغ از هویت مذهبی دارد. برای نوشتن کتیبه از قلم‌های گوناگون استفاده شده است. اما برخی قلم‌ها به جهت ساختار فرمی، قلم ویژه کتیبه محسوب شدند، به‌ویژه در نسبت با معماری و ارزش‌های تزئینی قلم‌ها، از جمله انواع کوفی، قلم محقق و قلم ثلث که بیشترین کاربرد را در کتیبه‌نویسی معماری اسلامی در ایران داشته است. در قلم ثلث روابط درونی و ساختار نسبت هندسی اندام حروف و کلمات با ایجاد نوعی امکان حرکت بی‌انتهای ترکیب با دیگر فرم‌های تزئینی، قابلیت این قلم را بیش از سایر اقلام برای کاربردهای تزئینی افزایش داده و در میان اقلام سته تبدیل به مناسب‌ترین قلم برای کتیبه‌نویسی ساخته است. هر چند استحکام نسبت‌های هندسی و حضور اصول به نظر لایتغیر، ماهیتی ایستا به شاکله ثلث می‌بخشد، اما این ویژگی از بعدی دیگر ایجاد نوعی هارمونی در ترکیب کتیبه ثلث با عناصر و جزئیات معماری اسلامی را فراهم کرده است. این حرکت تکاملی در قلم ثلث که از قرن چهارم تا هشتم قمری رخ داده است، متأثر از معنایی و برای مناسبات این جهانی است و حاصل بده بستانی است که در رابطه معنا و فرم پدید آمده است، بنابراین قلم ثلث در کتیبه‌ها محملی مناسب برای بیان حرکت استعلایی هنرمند و همچنین تجلی و درک امر قدسی در عالم واقع، در فرهنگ سنتی ایران است. در قلم محقق اما کتیبه‌ها متأثر از شکوه و درعین حال عدم

از کتیبه تعریف‌های گوناگون ارائه شده است اما ملموس‌ترین تعریف آن نوشته‌ای است بر هر سطحی یا شیبی غیر از کاغذ، و تعریف اصطلاحی کتیبه که ساحت ویژه نیز به آن می‌بخشد نوشتن بر بخش‌هایی ویژه از بنا است، بنابراین بهتر است بین نوشته بر اشیاء سفالی، فلزی، قالی و... با کاربرد کتیبه در معماری تفاوت قائل شد. یکی از معنای لغوی کتیبه گروه اسبان گردآمده (لاروس، ۱۳۷۰: ۱۶۹۶)، (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۸۱۸۰ ج ۱۲) نیز در شکل بخشی به آن به‌ویژه در دوره‌هایی مانند تیموری بسیار مؤثر بوده است. البته در نوشته‌های کاغذی نیز، در صفحات افتتاح یا سرلوح‌ها محل نوشته بر پیشانی سرلوح را کتیبه گفته‌اند. اینکه چه نامی بر آن بگذاریم کتیبه، کتابه... موضوع این نوشتار نیست، در هر حال مهم‌ترین کاربرد خوشنویسی و نمود آن، فارغ از کتابت بر کاغذ، کتیبه‌نویسی بر بناها بوده است و به همین دلیل کتیبه^۲ به عنوان یک قالب مستقل خوشنویسی در خطوط مختلف مختصات خود را یافته است. از این منظر به هر نوشته‌ای نباید کتیبه گفت. به عنوان مثال سنگ قبر کتیبه نیست بلکه یک لوح سنگی است. اینکه چه تفاوتی باید بین یک لوح و کتیبه قائل شد؟ و اینکه مصالح چه تأثیری بر قواعد فنی و مبانی زیبایی‌شناختی کتیبه می‌گذارد، موضوعی قابل بررسی است.

نکته قابل توجه دیگر این است که اگر انواع این نوع نوشته را بر اشیاء و بوم‌های غیر از کاغذ کتیبه بنامیم در تاریخ‌گذاری قدمت کتیبه در اقلام گوناگون باید تجدید نظر کرد. به عنوان مثال برای یافتن کهن‌ترین کتیبه به قلم نستعلیق، باید تاریخ قدیمی‌ترین نوشته به این قلم در انواع بسترهای دیگر از جمله سفال، جلد، فرش، فلز و... را نیز در نظر گرفت.

در این نوشتار محور بحث کتیبه در معماری است. البته کتیبه‌هایی که با هدف و مبتنی بر اصول خوشنویسی و در پیوندی ارگانیک در تزئینات بنا به وجود آمده باشد، زیرا نوشته‌هایی دیگر نیز داریم، مانند الواح سنگی پایه‌گذاری بناها، از جمله کتیبه پایه‌گذاری مسجد جامع بیلقان به تاریخ ۳۰۸ ق یا کتیبه‌های چوبی که از قدیمی‌ترین آنها در ایران کتیبه نعل درگاه آرامگاه سامانیان در بخارا است (بهر، ۱۳۹۴: ۴۴) و انواع یادگاری‌ها که کتیبه محسوب شده‌اند اما در پیوند با معماری پدید نیامده‌اند. در فرهنگ ایرانی نوع دیگری از کتیبه پدید آمده است که معمولاً بر ضریح قبور شخصیت‌های دینی نوشته می‌شود و گاهی بر نیز بر منبرها در مساجد که به نظر می‌رسد (هر چند نه با اطمینان) که اگر این عناصر را از اجزای اصلی این‌گونه بناها در ساختار

تنوع در شکل کلمات با فرمی مقتدر از نوشته روبه‌رویم که از حرکت و تنوع در ترکیب و کرسی برخوردار نیست و انگار که وظیفه‌اش القاء استحکام و روشنی و درستی معنای متن است. اما در مورد قلم نسخ با توجه به ساختار فرمی باید گفت نسخ قلم کتیبه نیست و تقریباً به‌جز یک مورد، در هیچ بنایی از قلم نسخ برای نوشتن کتیبه‌های اصلی بنا استفاده نشده است.^۲ و قلم دیگر کتیبه‌نویسی در ایران نستعلیق است که در مقاله حاضر به آن پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

پیش‌از این پژوهش در چند مقاله و کتاب به‌شناسایی و مستندنگاری کتیبه‌های نستعلیق پرداخته شده است که از جمله مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: حلیمی، محمدحسین، «زیبایی‌شناسی خط در مسجد جامع اصفهان»، خسروی، فرهاد، «شناسایی و معرفی خوشنویسان کتیبه‌های نستعلیق در بناهای دوره صفوی ایران»، صحراگرد، مهدی، «تکامل کتیبه‌نگاری نستعلیق عصر قاجار، حرم امام رضا»، معتقدی، کیانوش، «کتیبه‌های نستعلیق تهران»، و «کتیبه‌های سنگی سر در بناهای قزوین دوره قاجار»، شهیدانی، شهاب، «ملاحظات چند در دانش کتیبه‌نگاری و ضرورت کاربرد اصول و قواعد خوشنویسی در تحلیل کتیبه‌ها» و ...
اما در هیچ‌یک از این آثار سیر تحول کتیبه‌نویسی از منظر تحولات فرمی و نوع ترکیب‌بندی مورد بررسی و به‌ویژه تحلیل قرار نگرفته است. در مقالات خسروی و معتقدی شاهد مستندنگاری و برخی تحلیل‌های آماری هستیم. البته در مقاله آقای صحرا گرد سعی شده است کتیبه‌نویسی نستعلیق از منظر ترکیبات و ابداعات مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

پیشینه کتیبه‌نویسی به قلم نستعلیق

کتیبه‌نویسی به قلم نستعلیق از قرن نهم ق در تزیینات معماری ایران رایج شد. قدیمی‌ترین کتیبه به خط نستعلیق را کتیبه سنگی در ازاره مقبره‌ای در هرات می‌دانند که رقم ۸۸۲ ق دارد. اما به نظر می‌رسد کتیبه نستعلیق ورودی غربی آستانه شاه نعمت‌الله ولی در ماهان، که هم‌زمان با بنا در تاریخ ۸۴۰ ق نوشته شده، تا این زمان قدیمی‌ترین کتیبه شناخته‌شده به خط نستعلیق است. بنای آستانه شاه نعمت‌الله ولی در ماهان کرمان، مقبره عارف بزرگ و مشهور قرن ۸ و ۹ ق، قطب العارفین سید نور الدین نعمت‌الله ولی است. وفات شاه نعمت‌الله ولی در سال ۸۳۴ ق رخ می‌دهد. (صفا، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۲۲۹؛ ژان اوبن،

می‌پذیرد (فرزام، ۱۳۷۴، ص ۱۸۷-۱۹۵).
بعد از فوت ایشان بنای مقبره را سلطان شهاب الدین احمدشاه بهمنی آغاز می‌کند. او پادشاه دکن در هندوستان است. اما سلطان، بعد از شاه نعمت‌الله بیش از ۴ سال زنده نمی‌ماند و در سال ۸۳۸ فوت می‌کند. اتمام بخش مرکزی آستانه، یا همان حرم اصلی در زمان فرزند او علاءالدین انجام می‌پذیرد (فرزام، ۱۳۷۴، ص ۱۸۷-۱۹۵).
در پیشانی سردر ورودی به حرم از طرف غرب که فعلاً در شبستان یا رواق معروف به شاه‌عباسی قرار دارد و در اصل ورودی بنا بوده است، در کتیبه‌ای با خط ثلث تاریخ ساخت بنا را محرم سال ۸۴۰ ق اعلام می‌کند (تصویر ۱). در همین ورودی، کتیبه‌ای است به خط نستعلیق، که در زیر کتیبه اصلی و در نیمه بالای چهارچوب درب بسیار زیبای حرم قرار دارد. کتیبه در یک سطر و به عرض ۱۵ سانتی‌متر نگاشته شده و شواهد موجود نشان‌دهنده آن است که تاریخ نگاشتن و ساخت آن هم‌زمان است با تاریخ ساخت هسته مرکزی آستانه، یعنی سال ۸۴۰ ق. کتیبه با استفاده از کاشی معرق اجرا شده است و متن آن ۶ بیت است، به صورتی که مصرع‌های هر بیت به دنبال یکدیگر، اما با رنگ متفاوت نوشته شده‌اند (تصویر ۲). متن کتیبه یکی از غزل‌های شاه نعمت‌الله ولی است با مطلع: سلطان سرا پرده میخانه کجا شد / از مجلس رندان خرابات چرا شد (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۱۱-۱۲۵). بنابراین تاریخ آغاز کتیبه‌نویسی به خط نستعلیق در معماری ایران به سال ۸۴۰ ق بازمی‌گردد. و از آن‌پس به‌ویژه از قرن دهم به بعد نمونه‌های فراوان اجرا می‌شود. بر این اساس قدیمی‌ترین کتیبه نستعلیق که با کاشی معرق اجرا شده نیز

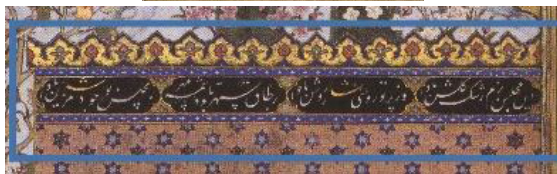
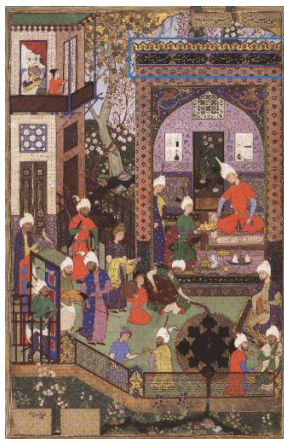


تصویر ۱. کتیبه ثلث به تاریخ ۸۴۰ ق، ورودی اصلی (غربی) به گنبد خانه آستانه شاه نعمت‌الله، منبع: نگارنده.

سیر تحولات کتیبه‌نویسی به قلم نستعلیق (با تمرکز بر کتیبه‌نویسی در معماری) از دوره تیموری تا دوره قاجار * علیرضا هاشمی‌نژاد * صفحه ۷۳ تا ۸۶

مانند قزوین و ... نمونه‌هایی از کتیبه‌های نستعلیق موجود است. از جمله مهم‌ترین کتیبه‌های قزوین، کتیبه‌های مسجد جامع قزوین، کتیبه سردر مدرسه پیغمبریه قزوین به خط شفیع بن عبدالجبار به تاریخ ۱۰۵۴ق، در ایوان‌های جنوبی و غربی و سردر شرقی کتیبه‌هایی از دوره صفوی و از خوشنویسانی مانند کاوس مصور (تصویر ۸) موجود است.

کتیبه آرامگاه میر ابراهیم، به خط محمد مهدی، ۱۱۴۹ق، که از آخرین نمونه‌های کتیبه‌نویسی به قلم نستعلیق در دوره صفوی محسوب می‌شود. در کرمان کتیبه تاریخ احداث شبستان شاه‌عباسی در آستانه شاه نعمت‌الله به تاریخ ۹۹۸ق (تصویر ۵)، کتیبه باغ بیرم آباد در اوایل قرن یازدهم ق، و ... به قلم نستعلیق نوشته شده است. از جمله خوشنویسان معروف دوره صفوی که



تصویر ۳. باربد در حضور خسرو، خمسه نظامی، منسوب به میرزا علی، ۹۴۶ تا ۹۴۹ق خمسه شاه طهماسبی، British Library.Or 2265



تصویر ۴. مسجد جامع اصفهان، کمال‌الدین حسین حافظ هروی ۹۳۸ق، منبع: حلیمی.

کتیبه هارون ولایت به تاریخ ۹۱۸ق نیست یا آب انبار فیروز آباد میبد نیست (خسروی، ۱۳۹۵: ۱۵۲)

کتیبه‌های نستعلیق دوره صفوی

در قرن دهم ق کتیبه‌نویسی نستعلیق در حدی رایج است که در نگاره‌های کار شده در نیمه اول قرن دهم ق از جمله در شاهنامه شاه طهماسبی و خمسه نظامی (تصویر ۳) و بسیاری آثار دیگر نیز نمود یافته است.

از جمله کتیبه‌های متعدد باقیمانده از قرن دهم ق در اصفهان کتیبه‌ای از کمال‌الدین حسین حافظ هروی ۹۳۸ق (تصویر ۴)، شیخ محمد بابر ۹۵۵ق و در تبریز آثاری از محمدحسین تبریزی و در یزد و کرمان (تصویر ۵) نیز کتیبه‌هایی دیده می‌شود.

از دوره‌های مهم رواج کتیبه‌نویسی به خط نستعلیق، دوره شاه طهماسب صفوی است. بر کاخ چهل‌ستون قزوین از همین دوره کتیبه‌ای منسوب به مالک دیلمی موجود است. از این دوره علاوه بر مراکز مهمی مانند هرات و اصفهان در سایر شهرها



تصویر ۲. کتیبه نستعلیق اطراف ورودی غربی به گنبد خانه آستانه شاه نعمت‌الله ولی. منبع: نگارنده.

به عنوان مثال کلمات منتهی به حروف تخت در کرسی دوم قرار گرفته است، که در سطر نویسی و کتابت و حتی چلیپاهای این دوره معمول نیست. کیفیت خط کتیبه مزبور با آثار قلمی میرعماد قابل مقایسه نیست و تردید در انتساب به همین علت است. ضمن اینکه احتمالاً می‌شود از این دلیل گذشت، زیرا اختلاف بین کیفیت آثار قلمی با قلم کتیبه در آثار دو خوشنویس توانمند اواخر دوره قاجار علینقی شیرازی و عمادالکتاب نیز به وضوح آشکار است (تصویر ۱۲). اما در کتیبه میرعماد اجرای برخی حروف برخی و کلمات در برخی سطرها به شکلی است که بعید است حاصل قلم میرعماد باشد - البته با در نظر گرفتن این نکته که اجرای کتیبه گچی نیز معمولاً با مشکلاتی همراه است. به ویژه در تصویر ۱۲، در کلماتی مانند «علی»، «پیغمبر» و ... برخی از این ویژگی‌های کتیبه میرعماد معمولاً به کتیبه نویسی دوره

آثاری از کتیبه به قلم نستعلیق به خط آنها بر بناها باقی مانده است. علیرضا عباسی، محمدرضا امامی، صحیفی جوهری، رشیدا، محمد صالح و ... هستند.

از جمله معروف‌ترین کتیبه‌های نستعلیق در اصفهان کتیبه‌ای است در تکیه میرفندرسکی، که منسوب به میرعماد است. اما نظر به کیفیت خط و نوع ترکیب در این انتساب باید تردید کرد. شیوه خوشنویسی کتیبه تکیه میر، شیوه میرعماد است، اما مختصات تغییر کرده است. بر قوت حروف افزوده شده است، چیدمان حروف از قواعد کلاسیک سطر نویسی پیروی نمی‌کند.



تصویر ۶، کتیبه سردر ورودی کاروانسرای گنجعلیخان در کرمان، منبع: نگارنده.



تصویر ۸، کتیبه ضریح قدیم امام رضا (ع)، به خط علیرضا عباسی.



تصویر ۹، کتیبه مسجد جامع قزوین، کاوس مصور ۱۰۶۹ ق.



تصویر ۷، بخشی از کتیبه آب انبار علیمردان خان در کرمان، منسوب به علیرضا عباسی منبع: نگارنده.



تصویر ۱۰، کتیبه آرامگاه میر ابراهیم، قزوین، محمد مهدی ۱۱۴۹ ق، منبع: نورمحمدی، مهدی،



تصویر ۵، کتیبه تاریخ احداث شبستان شاه‌عباسی در آستانه شاه نعمت‌الله به تاریخ ۹۹۸ ق منبع: نگارنده.



تصویر ۱۱، کتیبه نستعلیق، ایوان غربی مسجد جامع اصفهان،

پس از قرن دهم ق کتیبه‌نویسی به خط نستعلیق محدود به حوزه جغرافیای ایران نشد و نمونه‌هایی در مناطق شرقی مانند بخارا، سمرقند، خیوه و... همچنین در قلمرو عثمانی نوشته شد. در عثمانی پس از درویش عبدی که از شاگردان میرعماد بود به خط نستعلیق توجه شد و در کتیبه‌نویسی خوشنویسانی مانند سیاهی احمد افندی (ف ۱۰۹۹ق) کاتب زاده محمد رفیع به عرصه آمدند و آثار فراوانی به قلم این خوشنویسان در کتیبه‌نویسی نستعلیق پدید آمد (ر.ک اوغوردان، ۱۴۰۱)، و به‌ویژه پس از محمد اسعد یساری که شیوه نستعلیق ویژه عثمانی را ابداع کرد، مهم‌ترین کتیبه‌ها به‌ویژه در بناهای غیر مذهبی به خط نستعلیق است. این کتیبه‌ها به شیوه لوح‌نویسی اجرا شده است (تصویر ۱۶). نستعلیق همچنین قلم مورد علاقه خوشنویسان عثمانی برای نوشتن سنگ‌های قبر ایستاده بوده است (ر.ک برک، ۱۳۹۹: ۱۱۵ و ...)

کتیبه‌نویسی نستعلیق پس از دوره صفوی

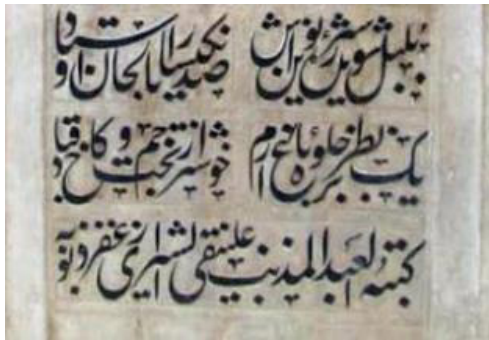
کتیبه نستعلیق اما به دلایل متعدد هرگز در ساختار تزیینات معماری سنتی ایران، مانند کتیبه‌های کوفی و ثلث از کارکرد و جایگاهی مشابه قلم‌های مزبور برخوردار نشد. از جمله این دلایل می‌توان به شاکله خط نستعلیق اشاره کرد. در خط نستعلیق به‌واسطه شکل و اندازه حروف نمی‌توان مانند خط ثلث از

قاجار نسبت می‌دهند اما ترکیبات مشابه در برخی کتیبه‌های قرن نهم و دهم ق دیده شده است (تصویرهای ۵، ۶، ۸) و این کتیبه نیز از جمله مواردی است که خوشنویس تلاش کرده است ساختار نستعلیق را به کتیبه‌نویسی نزدیک کند. کاری که در دوره قاجار زمان فتحعلیشاه به نهایت انسجام رسید. کتیبه مدرسه ابراهیم‌خان و برخی کتیبه‌های قزوین شاهد این مدعا است (تصویرهای ۱۸ و ۱۹).

در قرن دوازدهم ق کتیبه‌نویسی به قلم نستعلیق به عنوان خطی فرعی رونق دارد. در اصفهان در بخش‌های مختلف مسجد جامع از کتیبه‌های نستعلیق به عنوان تزئین مکمل در قوس‌ها و در حاشیه‌های باریک در کنار کتیبه‌های اصلی که معمولاً به خط ثلث است استفاده می‌گردد (تصویر ۱۶). چندین کتیبه مهم نستعلیق در اوایل قرن دوازدهم ق در مرمت و توسعه مسجد جامع اصفهان نوشته و اجرا می‌شود. از جمله کتیبه‌های محمد صالح در مدرسه چهارباغ به تاریخ ۱۱۱۹ ق (تصویر ۱۵)، نیز از این دوره است که کتیبه‌نویسی به خط نستعلیق جزء لاینفک تزیینات معماری قرار می‌گیرد.



تصویر ۱۲، دو بخش از کتیبه به خط نستعلیق با رقم میرعماد، تکیه میرفندرسکی اصفهان، ۱۰۱۴ق منبع: نگارنده



تصویر ۱۴، کتیبه باغ ارم شیراز، علی نقی شیرازی منبع: نگارنده.



تصویر ۱۳، بخشی از کتیبه به خط نستعلیق با رقم میرعماد، تکیه میرفندرسکی اصفهان، ۱۰۱۴ق منبع: نگارنده

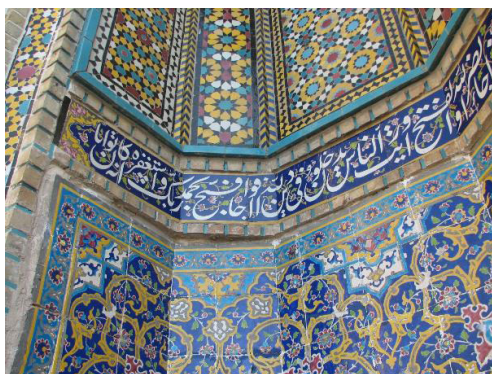


تصویر ۱۵. کتیبه نستعلیق، مدرسه چهارباغ، به خط محمد صالح ۱۱۱۹ق.

به خط افق قرار گرفته بنا می‌شود، که تقریباً عنصری ناساز با ساختار هندسی معماری است که تکیه بر خطوط افقی و عمودی دارد. این محدودیت‌ها در نوع به‌کارگیری کتیبه‌نویسی نستعلیق در معماری تأثیر گذاشته است؛ به طوری که معمولاً کتیبه‌های نستعلیق به صورت نوارهای باریک و در مورد اشعار فارسی در فرم‌های بیضی شکل (کتابه در صحافی) نوشته می‌شوند و با توجه به حوزه فرهنگی خط نستعلیق که ایرانی و فارسی است، معمولاً آیات قرآنی و احادیث را نیز به این خط نمی‌نویسند، البته نمونه‌های اندکی موجود است. مانند سوره النصر به خط میرزا غلامرضا اصفهانی در مدرسه سپهسالار تهران (تصویر ۱۷).

بنابراین علاوه بر محدودیت در شکل و محل استفاده در بنا، کارکرد تقدس بخشی را نیز ندارد. در هر صورت به واسطه حضور پرنفوذ خط نستعلیق در کل دوره صفوی، در کنار خطوط ثلث و محقق، از قلم نستعلیق نیز برای کتیبه‌نویسی استفاده گردید. اما ترکیب این کتیبه‌ها در همان ساختار معمول، یعنی نوشتن خط با قلم و مرکب بر روی کاغذ است و محتوای آنها بیشتر اشعار فارسی در ارتباط با کارکرد بنا و کتیبه‌های احداثیه است.

البته در مواردی نیز ترکیب‌های خاص کتیبه استفاده می‌گردید. این نوع ترکیب‌ها به تناسب محل قرار گرفتن کتیبه در ترنج‌های دایره‌ای و بیضی شکل (تصاویر ۱۸ و ۱۹) کاربرد داشت. مضمون کتیبه‌های نستعلیق که به‌طور معمول اشعار



تصویر ۱۸. کتیبه نستعلیق مدرسه سپهسالار، سوره نصر، میرزاغلامرضا اصفهانی.



تصویر ۱۹. مسجد جامع اصفهان، ایوان مدرسه، کتیبه نستعلیق، مهرعلی المولوی، ۱۱۳۹ق. منبع: حلیمی.

کرسی‌های متعدد استفاده کرد و فضا سازی آزاد و تزئینی داشت، و اگر استفاده گردد رعایت توالی و تقدم و تأخر حروف و کلمات بسیار مشکل خواهد بود. همچنین نمی‌توان در اندازه برخی حروف تغییراتی متناسب با موقعیت ایجاد کرد، به عنوان مثال حرف الف در کتیبه‌نویسی کوفی و ثلث از نقطه نظر اندازه قابلیت انعطاف دارد، به صورتی که به ساختار این خطوط لطمه اساسی نمی‌زند و به عنوان عنصر هماهنگ کننده کتیبه با ساختار هندسی بنا نیز عمل می‌کند.

اما در خط نستعلیق این امکان وجود ندارد. در خط نستعلیق ساختار حروف بر منحنی استوار است و کرسی کلمات نستعلیق بر فرم بیضی در وضعیتی که قطر آن در زاویه ۳۰ درجه نسبت



تصویر ۱۶. کتیبه نستعلیق در توپکاپی سرای، یساری زاده، ۱۲۳۲ق. منبع: نگارنده



تصویر ۱۷. سردر مدرسه امین خان در خیه، ۱۲۶۱ق.

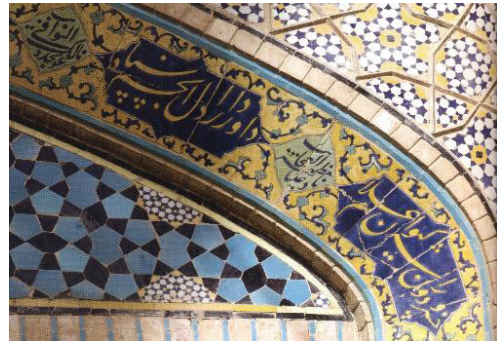
بیاض پر شود، که معمولاً در کتابت، سطر نویسی و حتی چلیپا که ماهیتی تزئینی نیز دارد خوشنویس خود را ملزم به اجرای چنین ترکیبی نمی‌کند. البته کتیبه نویسان توانا از این ترکیب‌ها و قواعد به خوبی بهره می‌برند. مانند کتیبه محمدکاظم قزوینی، ۱۲۵۶ق (تصویر ۲۳) و کتیبه‌های مدرسه ابراهیم‌خان در کرمان ۱۲۳۱ق (تصویر ۲۱) و ... بهره‌گیری ساختارمند از این تحولات در کتیبه‌نویسی از اوایل دوره قاجار آغاز می‌گردد، زیرا کتیبه‌های اصلی بناها نیز به خط نستعلیق نوشته می‌شود.

به نظر می‌رسد با توجه به گسترش استفاده از قلم نستعلیق در کتیبه‌نویسی دوره قاجار و ضعف کتیبه‌نویسی به خط ثلث در این دوره، تفاوت نستعلیق کتیبه‌نویسی با نستعلیق قلمی، بیشتر در جهت هماهنگی با ساختار کتیبه به عنوان عنصری تزئینی در معماری است. اهمیت کتیبه‌نویسی در معنای کلی در این دوره به حدی است که به نظر می‌رسد قالب محوری مؤثر در تحولات قلم نستعلیق است.

اگر به دوره‌های مهم تحول در قلم نستعلیق توجه کنیم باید از سه دوره یاد کرد ۱- دوره اول: از ۸۸۰ تا ۹۸۰ قمری ۲- دوره دوم: سده یازدهم قمری ۳- دوره سوم: از ۱۲۲۰ تا ۱۳۰۰ قمری؛ در دوره اول قالب غالب کتابت است و عمده کاربرد خط نستعلیق کتابت متون است. هنرمندان شاخص این دوره سلطان‌علی مشهدی، میرعلی هروی و باباشاه اصفهانی هستند. در دوره دوم قالب غالب و مورد توجه چلیپا است و اندازه دانگ قلم از اندازه کتابت خارج شده و دانگ محوری دانگ چلیپا است. هنرمندان شاخص و محوری میرعماد حسنی و تا حدی علیرضا عباسی، خلیل‌الله، رشیدا و ... هستند. در دوره سوم اما کتیبه‌نویسی به عنوان کاربرد نو و کانون جدید توجه خوشنویسان به خط نستعلیق افزوده شده است. توضیح اینکه کتیبه نستعلیق از سده نهم قمری پدید آمد اما تا سده سیزدهم هرگز قالب محوری نبود. این جریان با کتیبه‌نویسان دوره فتحعلیشاه و متأثر از کتیبه‌نویسی و کاربردهای دیگر خط نستعلیق از جمله حکاکای مهر آغاز گشته و در نهایت منجر به پیدایش سبکی می‌گردد که امروزه به نام شیوه میرزا غلامرضا معرفی شده است؛ و به دست میرحسین و میرزا غلامرضا هویت مستقل می‌یابد (هاشمی نژاد، ۱۴۰۰: ۶۹۳).

بنابراین مهم‌ترین تحولات در کتیبه‌نویسی نستعلیق در دوره قاجار عبارت‌اند:

۱. تحولات در ترکیب
۲. تحولات در مکان کتیبه
۳. تحولات در مصالح



تصویر ۲۰، ایوان غربی مسجد جامع اصفهان، کتیبه نستعلیق، ۱۱۱۲ ق، احتمالاً ابوالمعالی النقیب الحسینی.

فارسی بود این امکان را فراهم می‌کرد که کتیبه در قطعات جدا از یکدیگر نوشته شود و بنابراین به راحتی در قوس‌ها کاربرد داشت.

تحولات کتیبه‌نویسی به قلم نستعلیق در دوره قاجار

این سنت در دوره قاجار ادامه یافت تا اینکه از دوره فتحعلیشاه و در دهه دوم قرن سیزدهم ق، در نهضتی که در معماری این دوره در مرمت آثار گذشته و ایجاد بناهای جدید ایجاد شد، کتیبه‌نویسی به خط نستعلیق رواج بیشتر یافت و ساختار نستعلیق در کتیبه‌نویسی با نستعلیق قلمی (نوشته‌شده با قلم بر روی کاغذ) قدری متفاوت شد. این تفاوت در اندازه حروف، نسبت ضعف به قوت و حتی ترکیبات خاص کتیبه‌نویسی کاملاً مشهود است. ساختار کرسی خط نستعلیق در کتیبه‌نویسی بر اساس کاربرد تغییر کرد و این ترکیبات احتمالاً متأثر از مهنویسی نیز بوده است؛ که بعدها در دوره معاصر به قصارنویسی راه یافت، قطعه‌نویسی معاصر را نیز متأثر از همان ترکیبات باید دانست. بنابراین نمی‌توان گفت ترکیب کتیبه نستعلیق در این دوره «ترکیبی اندیشیده و مطابق با اصول مشخص نیست» (صحراگرد، ۱۳۹۹: ۶۷)، زیرا در این ترکیب‌ها به تناسب کارکرد و مکان، مانند کتیبه‌نویسی در ثلث از کرسی‌های متعدد استفاده شده است. و چنانکه در کتیبه منسوب به میرعماد مشاهده کردیم. از جمله تغییرات در قواعد کلاسیک کرسی کلمات، به عنوان مثال: کلمات منتهی به حروف تخت در کرسی دوم قرار گرفته است؛ قرار دادن حرف تخت در کرسی دوم در کتیبه‌نویسی نستعلیق از قرن دهم آغاز گشت (تصویر ۵) در رقم علیرضا عباسی در کتیبه سردر کاروانسرای گنجعلیخان نیز این ترکیب بکار رفته است (تصویر ۶). در ترکیبات کتیبه‌های نستعلیق سعی می‌شود کل فضای بین کلمات با رعایت سواد و

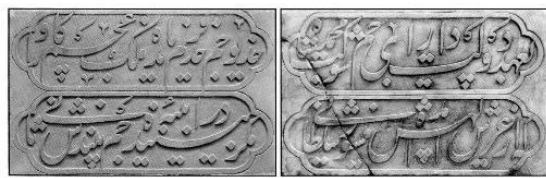
کتیبه سردر شمالی مسجد شاه قزوین به خط محمد طاهر ۱۲۲۲ق، کتیبه‌های آب‌انبار سردار کوچک و سردر مدرسه سردار به خط شیخ محمدعلی قزوینی دوره فتحعلیشاه قاجار، کتیبه محمدحسین اصفهانی در مشهد ۱۲۷۱ و برخی از کتیبه‌های



تصویر ۲۱. کتیبه مدرسه ابراهیم‌خان کرمان، ۱۲۳۱ق.



تصویر ۲۲. بخشی از کتیبه آب‌انبار سردار کوچک، شیخ محمدعلی قزوینی ۱۲۲۹ق، قزوین.



تصویر ۲۳، بخشی از کتیبه آب‌انبار حاج کاظم، محمدکاظم قزوینی ۱۲۵۶ق، منبع: نورمحمدی، مهدی.



تصویر ۲۴، کتیبه نستعلیق سردر مدرسه سپهسالار تهران، میرزا غلامرضا اصفهانی، ۱۳۰۲ق.

تحولات در ترکیب کتیبه‌ها

به‌طورکلی می‌توان شیوه ترکیب در کتیبه‌نویسی دوره قاجار را به دو دسته کلی تقسیم کرد. کتیبه‌هایی که ترکیب آنها متأثر از ترکیب معمول سطر پدید آمده و کتیبه‌هایی که فضای در اختیار، تعیین‌کننده نوع ترکیب شده است. کتیبه‌های نوع دوم را می‌توان نوعی قصار نویسی معرفی کرد. محتوای کتیبه از جهت منظوم یا منثور بودن نیز در انتخاب ترکیب مؤثر است. عامل دیگر در انتخاب ترکیب نقطه تأکید کتیبه‌نگار بر دو عامل مهم در خوشنویسی برای انتخاب ترکیب است، عوامل خوانایی و زیبایی. به‌این ترتیب که اگر نقطه تأکید بر خوانایی باشد رویکرد ترکیبی سطر نویسی است که ریشه در کتابت دارد و اگر نقطه تأکید زیبایی و فضاسازی است ترکیب قصار نویسی انتخاب کتیبه‌نگار است. و در نوع قصار نویسی نمونه‌های فراوان موجود است که نمونه کمتر دیده و شناخته‌شده، کتیبه صحن مدرسه ابراهیم‌خان در کرمان است. در این کتیبه فضای کتیبه، منظوم بودن و توجه به زیبایی بیش از خوانایی در پدید آمدن چیدمان ویژه کلمات مؤثر بوده است. کتیبه نستعلیق دورتادور صحن مدرسه ابراهیم‌خان که در قسمت فوقانی نما در زیر شرفه یا قرنیز قرار گرفته است از زیباترین و بلندترین (تقریباً ۱۴۰ متر) کتیبه‌های نستعلیق در بناهای دوره قاجار است و به روش کاشی هفت‌رنگ اجرا شده است. این کتیبه کمتر معرفی شده است و با توجه به ویژگی‌هایی که دارد یک نمونه کلاسیک از کتیبه‌نویسی به خط نستعلیق در دوره قاجار محسوب می‌گردد. مهم‌ترین ویژگی کتیبه کیفیت خط و به‌ویژه ترکیب و فضاسازی کتیبه است که کیفیت آن در کل کتیبه حفظ شده است. متن کتیبه قصیده بلند (۴۱ بیت) صبای کاشانی جهان با روضه رضوان عدیل» و ماده تاریخ «سلسبیل از جود ابراهیم در جنت سبیل» ۱۲۳۱ ق است. تنها رقم مندرج در کتیبه "عمل استاد اسمعیل قصاب" است. از آثار مشابه این کتیبه در مراکزی مانند تهران، اصفهان، مشهد، قزوین، شیراز، کرمان و ... می‌توان به نمونه‌هایی اشاره کرد.

تهران و... از جمله این کتیبه‌ها هستند. عالی‌ترین نمونه کتیبه نثر به قلم نستعلیق کتیبه سردر مدرسه سپهسالار به خط میرزا غلامرضا اصفهانی است که هم‌زمان نمونه ممتاز توجه به خوانایی نیز به شمار می‌رود. ناگفته نماند این اصول نافی این نکته نیستند که در سطرنویسی زیبایی ملاک نیست، بلکه نقطه تأکید نیست و به تعبیر روشن‌تر خوانایی فدای زیبایی ترکیب نمی‌گردد. کتیبه گنبدخانه آینه‌کاری حرم امامزاده حمزه در شهر ری به خط محمدابراهیم تهرانی مشهور به میرزا عمو (۱۲۹۱ق) نیز از جمله کتیبه‌های منشور است.

نوع دیگری از ترکیب در کتیبه تقسیم فضا به دو قسمت بالا و پایین کرسی وسط است. در این نوع کتیبه‌ها بر پایه دو کرسی ترکیب‌بندی شده و خوشنویس در کل کتیبه به این ترکیب وفادار است (تصویرهای ۳۵ و ۳۶)، کرسی دوم فضای اختصاص یافته به کتیبه را به دو قسمت برابر تقسیم می‌کند. نمونه ممتاز این ترکیب کتیبه صحن امامزاده طاهر در شهر ری است. اما نکته مهم در این کتیبه توجه میرزا عمو به خوانایی کتیبه است.

۵. ۱. تحولات در مکان کتیبه

چنانکه پیش‌تر اشاره شد یکی از تحولات مهم در کتیبه‌نویسی دوره قاجار استفاده از قلم نستعلیق برای نوشتن کتیبه‌های اصلی بنا است. کتیبه‌های سردر اصلی، کتیبه‌های ساقه گنبد و کتیبه‌های صحن اصلی در بسیاری از بناهای مهم به قلم نستعلیق است. از مهم‌ترین این بناها مدرسه ابراهیم‌خان، آستانه شاه عبدالعظیم در شهر ری، امامزاده طاهر در شهر ری، مدرسه سپهسالار در تهران و... است. کتیبه ساقه گنبد آستانه شاه عبدالعظیم از جمله اولین کتیبه‌های نستعلیق است که در ساقه گنبد نوشته شده است. این کتیبه به خط محمدحسین تهرانی کاتب السلطان است. شیوه خط با آثار قلمی محمدحسین تهرانی مشابه است. محمدحسین کاتب السلطان البته کاتب بود و مهم‌ترین اثر او کتابت هزارویک‌شب است که در سال ۱۲۶۹ق به اتمام رسانده،

نوع دیگری از ترکیب کتیبه، کتیبه‌نویسی با تکیه بر یک کرسی اصلی است، هرچند که کتیبه‌نویس از کرسی دوم نیز بهره می‌برد. (تصویر ۲۷) تفاوت این نوع کرسی بندی در کتیبه با شیوه میرزا غلامرضا و میرزا عمو در این است که میرزا غلامرضا و میرزا عمو برای کرسی دوم نیز هویتی مانند کرسی اول قائل‌اند و در بسیاری موارد از چیدمان پله کانی تبعیت نمی‌کنند. این نوع ترکیب مشابه ترکیب در سطرنویسی کلاسیک است اما خوشنویسی با

بخش منشور کتیبه گنبدخانه آینه‌کاری حرم امامزاده حمزه در شهر ری، به خط میرزا عمو، تاریخ ۱۲۹۱ق.



تصویر ۲۵، بخش منشور کتیبه گنبدخانه آینه‌کاری حرم امامزاده حمزه در شهر ری، به خط میرزا عمو، تاریخ ۱۲۹۱ق.



تصویر ۲۷، کتیبه ساقه گنبد آستانه شاه عبدالعظیم، خط نستعلیق، محمدحسین تهرانی، ۱۲۷۰ق.



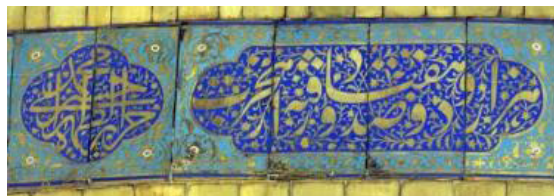
تصویر ۲۶، کتیبه صحن امامزاده طاهر در جوار آستانه شاه عبدالعظیم در شهر ری، میرزا عمو، ۱۳۰۱ق.

کتیبه‌نویسان نیمه دوم دوران قاجار و دوره ناصری است، و از پیروان میرزا غلامرضا اصفهانی و از شاگردان ویژه میرزا است که پیوسته ملازم و ملتزم استاد بوده و در تعهد خدمات او دقت

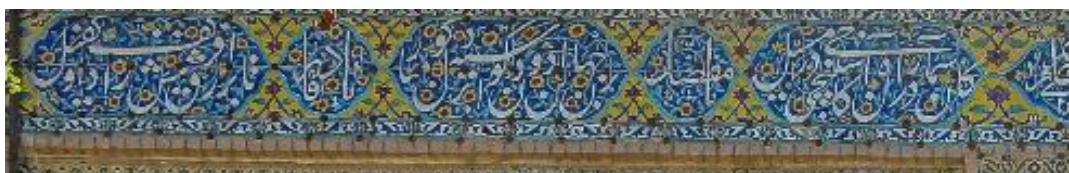


تصویر ۲۹، کتیبه امامزاده طاهر در جوار آستانه شاه عبدالعظیم در شهر ری، میرزا عمو، ۱۳۰۱ق.

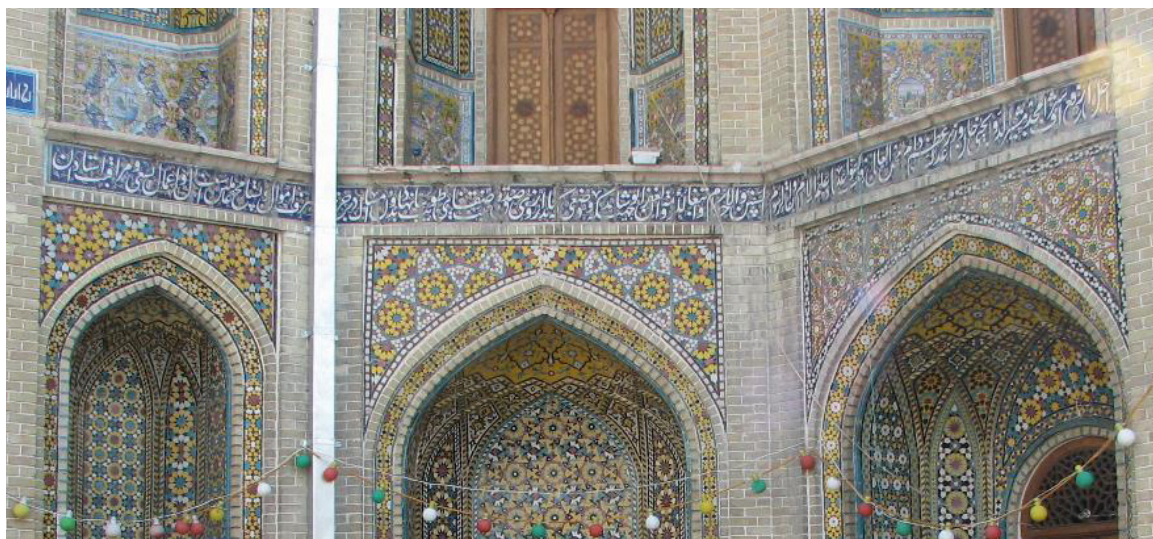
در فهرست آثار او اشاره‌ای به کتیبه گنبد آستانه شاه عبدالعظیم نشده است (بیانی، ۱۳۶۳: ۶۹۶-۶۹۷). او به‌طور معمول محمدحسین الطهرانی رقم می‌زده که با رقم کتیبه یکسان است. در بنای امامزاده طاهر کتیبه صحن که از نمونه‌های ممتاز از کتیبه‌نویسی قاجار و از بهترین آثار میرزا عمو نیز به خط نستعلیق است. محمدابراهیم تهرانی مشهور به میرزا عمو از پرکارترین



تصویر ۲۸، کتیبه ساقه گنبد آستانه شاه عبدالعظیم، خط نستعلیق، محمدحسین تهرانی، ۱۲۷۰ق.



تصویر ۳۰، کتیبه‌های صحن مدرسه ابراهیم‌خان، کرمان.



تصویر ۳۱، کتیبه نستعلیق سردر مدرسه سپهسالار تهران، میرزا غلامرضا اصفهانی، ۱۳۰۲ق.

شده است. کیفیت خط کتیبه از نظر اجرا نسبت به دیگر آثار میرزا عمو ضعیف است و به دلیل ضعف در اجرای کلمات و ترکیب از آثار فاخر او به شمار نمی‌رود (تصویر ۳۳)، اینکه دو کارشناس مشهور این کتیبه را از بهترین آثار او دانسته‌اند نتیجه نوعی ارزیابی احساسی توأم با اغراق است و تطبیق نکردن این اثر با سایر آثار میرزا عمو است.

روش دیگری که برای اجرای کتیبه در این دوره بکار گرفته شد

و مراقبت داشته است» (بختیار، ۱۳۹۵: ۹۱) سال‌های فعالیت او را بین ۱۲۶۴ تا ۱۳۱۵ قمری دانسته‌اند (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۲: ۲۸۳) درحالی‌که آثار از او تا سال ۱۳۲۰ ق دیده شده است. وفات میرزا عمو را سال ۱۳۲۱ ق اعلام کرده‌اند. این کتیبه که از کتیبه‌های اصلی بنا به شمار می‌رود، به روش کاشی خستی به رنگ سفید و بر زمینه لاجورد اجرا شده است.

از عالی‌ترین کتیبه‌های نستعلیق دوره قاجار کتیبه سردر مدرسه سپهسالار است که میرزا غلامرضا اصفهانی در سال ۱۳۰۲ ق نوشته است. این کتیبه نشان از جایگاه کتیبه نستعلیق در دوره قاجار است. به همین اعتبار است که در چنین بنای مهمی اصلی‌ترین کتیبه در سردر اصلی بنا به قلم نستعلیق نوشته می‌شود.

۳.۵. تحولات در مصالح و روش اجرای کتیبه

کتیبه نستعلیق تا دوره قاجار با روش‌های مختلف و انواع مصالح مانند گچ، سنگ، کاشی، فلز و چوب نوشته شده است (صالحی کاخکی و خسروی، ۱۳۹۵). در دوره قاجار استفاده از مصالحی که ذکر شد مانند دوره‌های پیشین ادامه یافت اما در این دوره استفاده از کتیبه‌های کاغذی، کتیبه به روش میناکاری، نقاشی پشت شیشه و کتیبه قطعی نیز رایج شد که مصالح یا روش‌هایی هستند که خاص دوره قاجارند. کتیبه‌های گنبد مقبره شاه عبدالعظیم در تاریخ ۱۲۷۰ به خط محمدحسین تهرانی که با میناکاری روی خشت طلا اجرا شده است (تصویر ۲۸). استفاده از کتیبه کاغذی نیز از روش‌های کتیبه‌نویسی این دوره است که نمونه‌هایی از این نوع کتیبه در کمر بند کاخ عشرت در اصفهان نصب بوده است. این کتیبه‌ها به خط محمدباقر سمسوری اصفهانی است.

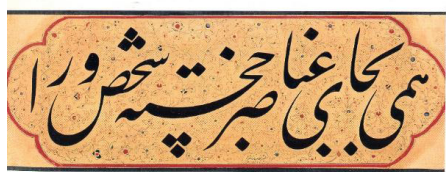
نمونه دیگری از این نوع کتیبه کاغذی ایوان آینه‌کاری امامزاده حمزه، به خط میرزا عمو است که در تاریخ ۱۲۹۱ ق نوشته شده است. کتیبه آینه‌کاری امامزاده قدیمی‌ترین اثر میرزا عمو در آستانه شاه عبدالعظیم است، این کتیبه را از بهترین آثار او قلمداد کرده‌اند (سمسار، ۱۳۶۸: ۴۸۵). بختیار نیز در مورد این کتیبه می‌نویسد: «اما بهترین اثر هنری او در کتیبه‌نویسی، کتیبه مدخل ایوان امامزاده حمزه (مقبره معیرالممالک‌ها) است که شاهکار او به شمار می‌رود و چنان‌که در پایان آن قید کرده است، آن را به امر ناصرالدین‌شاه به مباشرت دوست محمدخان معیرالممالک در ۱۲۹۱ ق نوشته است» (بختیار، ۱۳۹۱: ۹۲). این کتیبه با ترکیب سنتی (کلاسیک) سطر نویسی در خط نستعلیق نوشته



تصویر ۳۲، کتیبه کاغذی محمدباقر سمسوری بر کمر بند کاخ عشرت در اصفهان، منبع: آقابابایی.



تصویر ۳۳، کتیبه گنبدخانه آینه‌کاری حرم امامزاده حمزه در شهر ری، به خط میرزا عمو، تاریخ ۱۲۹۱ ق.



تصویر ۳۴، کتیبه کاغذی، میرزا غلامرضا اصفهانی.

است که متن آن منظوم و پس از قتل ناصرالدین شاه برای روایت این حادثه تاریخی مهم در دوره خود سروده شده و به روش قطعی ورق مس و به خط نستعلیق به دست مهدی بن حسن شریف شیرازی در سال ۱۳۱۷ ق اجرا و در مقبره ناصرالدین شاه نصب شده است. مهم ترین ویژگی کتیبه روایت قتل ناصرالدین شاه، ارزش کیفی خط آن است، ضمن اینکه کیفیت قطعی نیز این اثر را به عنوان یکی از آثار شاخص قطعی این دوره معرفی می کند. شیوه خط کتیبه روایت قتل ناصرالدین شاه به شیوه خوشنویسان و به ویژه به کتیبه نویسان هم دوره خود، مانند میرزا عمو و... که بیشتر به شیوه میرزا غلامرضا تمایل دارند، شباهت ندارد و می توان او را از پیروان شیوه ای دانست که همچنان در کلیات وفادار به شیوه میرعماد هستند.

نتیجه گیری

کتیبه نویسی به قلم نستعلیق از قرن نهم ق در معماری ایران رایج می گردد. قدیمی ترین کتیبه به خط نستعلیق کتیبه ای است که در ورودی اصلی آستانه شاه نعمت الله که در سال ۸۴۰ ق ساخته شده است قرار دارد. اوج رواج کتیبه نستعلیق در قرن دهم مربوط به دوره شاه طهماسب صفوی است اما کتیبه نستعلیق در این دوره به عنوان کتیبه های فرعی و بیشتر با مضمون اشعار فارسی یا لوحه های احداثیه کاربرد دارد. مهم ترین دوره در کتیبه نویسی به قلم نستعلیق دوره فتحعلیشاه قاجار است. تحولات عمده در کتیبه نویسی این دوره در سه وجه ترکیب در کتیبه، مکان کتیبه و مصالح کتیبه قابل بررسی است. قلم نستعلیق در این دوره مهم ترین قلم برای کتیبه نویسی است و برخلاف دوره های پیشین در دوره قاجار کتیبه های اصلی بنا به قلم نستعلیق نوشته می شود. در این دوره مصالح و روش های کتیبه نویسی نیز دستخوش تحول شده و کتیبه هایی به روش میناکاری روی خشت طلا، نقاشی پشت شیشه و قطعی نشانگر استفاده از مصالح و روش های نو و متنوع در کتیبه نویسی دوره قاجار به قلم نستعلیق است.

پی نوشت ها

1. inscription.

۲. وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.

۳. کتیبه اطراف محراب مسجد پیروان شیخیه در خیابان شریعتی کرمان.

منابع

آقابابایی، یدالله (۱۴۰۲)، مرقع سپاهان، تهران: کتاب خورشید.

نقاشی پشت شیشه است که نمونه آن در گنبدخانه آینه کاری حرم امامزاده حمزه موجود است.، این کتیبه ها در تاریخ ۱۲۷۳ ق اجرا شده و خوشنویس کتیبه میرزا عمو است. (تصویر ۳۳). نمونه بسیار فاخر از خط میرزا عمو و شیوه میرزا غلامرضا است که ضمن توجه به کیفیت و قدرت اجرا در تجزیه حروف و ترکیب، از نوعی بی تکلفی (رهایی کنترل شده) بهره می برد که از ویژگی های شیوه میرزا غلامرضا است.

و اما روش دیگر اجرای کتیبه که در این دوره اجرا گردید، روش قطعی است که یکی از بهترین نمونه های آن کتیبه روایت قتل و دفن ناصرالدین شاه قاجار در، آستانه شاه عبدالعظیم، ایوان مقبره ناصرالدین شاه است. کتیبه روایت قتل ناصرالدین شاه قاجار که از انواع ویژه کتیبه نگاری دوره قاجار به شمار می رود، کتیبه ای



تصویر ۳۵، کتیبه گنبدخانه آینه کاری حرم حضرت عبدالعظیم، اجرا به روش نقاشی پشت شیشه، ۱۲۷۳ ق.



تصویر ۳۶، قطعه ای از کتیبه روایت قتل ناصرالدین شاه، مهدی شریف شیرازی، ۱۳۱۷ ق، موزه آستانه شاه عبدالعظیم.



تصویر ۳۷، رقم کتیبه روایت قتل و دفن ناصرالدین شاه، قطعی، مهدی بن حسن شریف شیرازی، ۱۳۱۷ ق.

- اوبن، ژان (۱۳۶۱ / ۱۹۸۳)، مجموعه در ترجمه احوال شاه نعمت الله ولی کرمانی، تهران: کتابخانه طهوری.
- اوغوردردمان، مصطفی (۱۴۰۱)، هنر خوشنویسی ترکی، ترجمه مهدی قربانی و ثریا منیری، تهران: انتشارات سمیع.
- برک، سلیمان (۱۳۹۹)، الواحی در معبر تاریخ، ترجمه مهدی قربانی و ثریا منیری، تهران: انتشارات سمیع.
- بلر، شیلا (۱۳۹۴)، نخستین کتیبه‌ها در معماری اسلامی ایران زمین، ترجمه مهدی گلچین عارفی، تهران: فرهنگستان هنر.
- بیانی، مهدی (۱۳۶۳)، احوال و آثار خوشنویسان، تهران: انتشارات علمی.
- جرّ، خلیل (۱۳۷۰)، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طبیبیان، تهران: امیرکبیر.
- حلیمی، محمدحسین (۱۳۹۰)، زیبایی‌شناسی خط در مسجد جامع اصفهان، تهران: قدیانی.
- خسروی بیژانم، فرهاد (۱۳۹۸)، شناسایی و معرفی خوشنویسان کتسه‌های نستعلیق در بناهای دوره صفوی ایران، فصلنامه علمی نگره، شماره ۴۹، بهار ۹۸، صص ۴۹ تا ۹۸.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، ج ۱۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ذکاء، یحیی (۱۳۷۹)، هنر کاغذبری در ایران (قطاعی)، تهران: فرزانه روز.
- سمسار، محمدحسن (۱۳۶۸)، «ابراهیم تهرانی»، در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد دوم، تهران: بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- شهیدانی، شهاب (۱۳۹۷)، ملاحظاتی چند در دانش کتیبه نگاری و ضرورت کاربرد اصول و قواعد خوشنویسی در تحلیل کتیبه‌ها، پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۱۸، صص ۸۷-۱۰۹.
- صالحی کاخکی، احمد و خسروی بیژانم، فرهاد و... (۱۳۹۵)، دسته بندی شیوه‌های اجرایی کتیبه‌های نستعلیق در تزئینات معماری دوره صفوی، فصل‌نامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره دوازدهم، سال چهارم، پائیز، صص ۱۴۳-۱۵۹.
- صحراگرد، مهدی (۱۳۹۹)، تکامل کتیبه نگاری نستعلیق عصر قاجار، حرم امامرضا، نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، شماره ۲۰.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۶۶)، تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۴، تهران: انتشارات فردوس.
- فرزام، حمید (۱۳۷۴)، تحقیق در احوال و نقد آثار و افکار شاه نعمت الله ولی، تهران: سروش.
- فضانالی، حبیب الله (۱۳۶۲)، اطلس خط: تحقیق در خطوط اسلامی، اصفهان: انتشارات مشعل.
- معتقدی، کیانوش (۱۳۹۴)، کتیبه‌های نستعلیق تهران، تهران: سازمان زیباسازی شهرداری تهران.
- معتقدی، کیانوش (۱۳۹۵)، کتیبه‌های سنگی سر در بناهای قزوین دوره قاجار، چیده‌مان، سال پنجم، شماره ۱۵.
- نورمحمدی، مهدی (۱۳۹۸)، خوشنویسان قزوین، قزوین: ناشر مؤلف.
- هاشمی نژاد علیرضا (۱۴۰۰)، تحلیل سبک‌شناختی کتابت شاه محمود نیشابوری ...، مجموعه مقالات همایش خمسه‌نگاری، به کوشش منیژه کنگرانی، تهران: فرهنگستان هنر.
- هاشمی نژاد، علیرضا (۱۳۹۷)، قدیمی ترین کتیبه به خط نستعلیق، مجموعه مقالات از صفا تا شأن، کرمان: ماهنوش.